



# امشاسپندان

ایزدان زرتشت

گرد آوری و تحقیق :

پیام فخرایی

**بهمن**<sup>۱</sup> در اوستا **وهومنا**<sup>۲</sup> و در پهلوی **وهومن**<sup>۳</sup> مرکب از دو جزو وهو به معنی خوب و نیکومند از ریشه من<sup>۴</sup> به معنی منش در نتیجه بهمن یعنی به من، نیک اندیش و نیک نهاد. او اولین آفریده اهورامزدا است. در جهان روحانی مظهر اندیشه نیک و خرد و دانایی خداست. دومین ماه زمستان و یازدهمین ماه سال شمسی به نام بهمن خوانده می شود. **بهمن** خشم و ناراحتی را آرام می نماید و آتش خشم را فرو می نشاند و او بر گاوها، گوسفندا و بیش تر چهارپایان گمارده شده و تدبیر امور و **نیکی ها** که در ماه بهمن و روز بهمن واقع می شود. بدو سپرده شده است.

**اردیبهشت**<sup>۵</sup> در پارسی باستان به شکل «**تاتیگرچیس**» بوده است در اوستا **آشه وهیشته**<sup>۶</sup> و در پهلوی **ارت وهیشت** مرکب از دو جز است اول آرتَه به معنی درستی، راستی، پاکی و تقدس. دوم وهیشته صفت عالی از وه به معنی به و خوبست، کلمه مرکب به معنی بهترین راستی است.

<sup>1</sup> Bahman--(وهمند، منش نیک)

<sup>2</sup> Vehumana

<sup>3</sup> Vehuman

<sup>4</sup> man

<sup>5</sup> Ardibehesht--(بهترین نظم و حقیقت)

<sup>6</sup> Asha\_Vahishta

معنی ترکیبی این لغت به معنی مانندبهشت است، ارد به معنی شبیه و مانند است و چون این ماه وسط فصل بهار است، گیاهان در مخمل سبز بهاران فرو رفته‌اند و گل‌ها و ریاحین تمام شکفته‌اند و هوا در نهایت اعتدال است، بنابراین آن را اردیبهشت خوانند.

نماینده پاکی تقدس و قانون ایزدی اهورا مزدا ست و در جهان خاکی نگهبانی آتش با اوست.

نیز نگهبانی دومین ماه هر سال و سومین روز هر ماه بدو سپرده شده است. گل مرز نگوش<sup>۷</sup>

به او اختصاص دارد. ایزدآذر، ایزدسروش<sup>۸</sup> و ایزدبهرام<sup>۹</sup> از یاران اردیبهشت شمرده شده‌اند

و ایندرا بد نهش، دیو فرقار و گمراه کننده دشمن بزرگ و رقیب او است.

در گاتها اردیبهشت میان امشاسپندان رتبه اول را دارا است ولی در دیگر بخش‌های اوستا رتبه

او پس از بهمن است. او موکل بر آتش است.

**شهریور**<sup>۱۰</sup> به زبان پهلوی همان **شهریور** است و در اوستا **خشترا** — **وئیریه**<sup>۱۱</sup> یعنی کشوری

منتخب با پادشاهی برگزیده و نیز در فرس هخامنشی و سانسکریت به معنی کشور است همین

واژه است که در فارسی شهر شده. جزء دوم واژه شهریور وئیریه<sup>۱۲</sup> صفت است به معنی برگزیدن

و برتری دادن، و به معنی دوم در اوستا و در فارسی هخامنشی و سانسکریت به معنی برگزیدن

و گرویدن است و خسر وئیریه شهریور به معنی کشور برگزیده است پادشاهی برگزیده و مکرر در

گیاهی است سبز و خوشبو با شاخه‌های بلند و گل‌هایی کبود و برگ‌هایی که مانند گوش موش است -- 7

در آئین زرتشتی نام فرشته‌ای است که در روز رستاخیز به امر حساب و کتاب می‌پردازد. این فرشته نماد فرمانبرداری از اهورا -- 8  
مزدا است.

در آئین زرتشتی یکی از ایزدان است وی یار ایزد مهر و پاسبان عهد و پیمان و موکل به روز بیستم هر ماه شمسی است -- 9

شهریاری نیک -- 10

11 Kshatria\_Vairia

12 vairya

اوستا این واژه معنی بهشت یا کشور آسمانی اهورامزدا گرفته شده. همین واژه است که در فارسی شهر شده و به جای "بلدهی عربی" به کار می‌رود. در فارسی به شکل شهریر هم خوانده می‌شود. او موکل بر آتش است، همه فلزها و تدابیر امور و مصالح (نیکی‌های) روز شهریور که روز چهارم از هر ماه می‌باشد به او سپرده شده است. به مناسبت تولد داراب در این روز جشن کنند و عید سازند. در جهان مینوی وی نماینده پادشاه ایزدی و توانایی اهورا مزدا است.

**اسفند** در اوستا **سپنه اَرْمَیتی**<sup>۱۳</sup> در پهلوی **سپندارمت**، در فارسی سپندارمذ و اسفندازمذ و سفندارمذ، سپنت صفت است به معنی مقدس که بعدها به آرمئیتی متصل شده است و آن خود مرکب است از دو جزء ارم که قید استبه معنی درست، آن چنان که باید شاید، به جا دوم متی به معنی اندیشیدن در ترکیب ارم + متی، میم به اذعام حذف شده، به معنی فروتنی و بردباری و سازگاری و سپنه آرمی به معنی بردباری و فروتنی مقدس است. در ودا نیز آرمی آمده است.

در عالم معنوی مظهر محبت بردباری و تواضع اهورامزدا ست و در جهان جسمانی فرشته ای است موکل بر زمین به این مناسبت آن را مونث دانسته و دختر اهورا مزدا خوانده اند. سپندارمذ موظف است که همواره زمین را خرم، آباد، پاک و بارو نگه دارد. هر که به کشت کار پردازد و خاکی را آباد کند مانند اطاعت و صلح سازش است.

<sup>13</sup> Spenta Armaiti

خشنودی و آسایش در روی زمین، سپرده به دست اوست ایزدآبان و ایزددین از یاران او شمرده می شوند. دیو ناخشنودی و خیره سری مرسوم به ترمییتی<sup>۱۴</sup> همستار یا رقیب و دشمن بزرگ اسفندازمذ است. آخرین ماه سال و پنجمین روز ماه مرسوم است به سپندارمذ. در این روز جشن سازند و عید نمایند و نیک است رخت نو پوشیدن، درخت نشانیدن، درخواست نیاز از فرشتگان و زن خواستن.

بید مشک<sup>۱۵</sup> مخصوص سپندارمذ می باشد

فرشته موکل بر درختان و بیشه ها و تدبیر امور و مصالحی که در ماه و روز اسفندار واقع می شود به او تعلق دارد.

**خرداد**<sup>۱۶</sup> در پهلوی خردات و در اوستا هئورتات<sup>۱۷</sup> این واژه از دو جز تشکیل شده نخست هئور که از هئورو میاید و در زبان اوستائی به معنی رسا، همه، درست، تمام و کامل و در پهلوی همه و جزء دوم تات که در فارسی امروزی داد شده، پساوندی است که به پایان برخی از واژه‌های پیوسته می رساند که در آن واژه اسم مجرد مونث است چنان که در ارشتات<sup>۱۸</sup> و دروتات<sup>۱۹</sup> و اوپرتات<sup>۲۰</sup> و جز آن دیده می شود.

<sup>14</sup> Taromaiti

<sup>15</sup> درختی است از گونه بید ، با شکوفه های معطر که مقطر آن نشاط آور است --

<sup>16</sup> سلامت و عافیت --

<sup>17</sup> Harauvat

<sup>18</sup> Arshtat--(راستی و درستی)

<sup>19</sup> Drvatat--(درستی)

غالباً با امشاسپند امرداد یک‌جا آمده است. خرداد نماینده رسایی و کامل اهورا مزدا است درختان و امور مصالحی که در ماه خرداد واقع شده بدو تعلق داده شده. او رب‌النوع جهنم و مالک دوزخ است. همچنین او موکل گیاهان است روز ششم از هر ماه شمسی و سومین ماه از سال شمسی متعلق به اوست این روز را در ایران باستان روز زن می‌خوانند.

**امرداد**<sup>۲۱</sup> در پهلوی به شکل امرتات<sup>۲۲</sup> و در اوستا **آمرتات**<sup>۲۳</sup> است و بخش دوم آن تات (tat) باشد که پسوند است که جداگانه کاربرد ندارد و همین بخش در خرداد نیز دیده می‌شود. پاره‌ی دیگر این واژه از دو بخش ساخته شده، نخست از "آ" که از ادوات نفی است یعنی نه از برای این بخش در فارسی "نا" یا "بی" آورده می‌شود. بخش دوم آن (مرت - mereta) یا (مرت - mareta) است، یعنی مردنی و در گذشته‌ی و نیست شدنی و نابود گردیدنی. بنابراین امرداد یعنی بی‌مرگ و آسیب‌نشدنی یا جاودانی و باید امرداد با ادوات نفی "آ" باشد نه مرداد که معنی برخلاف آن را می‌دهد. امرداد در دین بهی (زرتشتی) امشاسپندی است که نماینده‌ی بی‌مرگی و جاودانی یا نشانه‌ی وجود نابودی‌ناپذیر و همیشگی اهورامزدا است. در جهان خاکی نگه‌بانی گیاه‌ها و رستنی‌ها به او سپرده شده است. از یاران او روشن است. او موکل بر آب است

<sup>20</sup> uparatat--(برتری)

<sup>21</sup>--امرداد، جاودانی

<sup>22</sup> amaretat

<sup>23</sup> Amertat

## پی نوشت ها

۱- زبان پهلوی زبان پهلوی یا پهل، پارت، پرتوه پهلوانی. زبان متداول دوره اشکانیان و ساسانیان. فارسی میانه و آن میان فرس باستانی و فارسی امروزی جای دارد. این زبان را فرس متوسط نیز گویند. زبان مردم پارت؛ پارت ها به زبان پهلوی شمالی (پارتی) که جزئی تفاوت با پهلوی جنوبی دارد سخن می گفتند. و پهلوی جنوبی (پارسیک) در عهده ساسانیان رواج داشته است. زبان، پهلوی، زبان ایران در دوره اشکانیان و ساسانیان بود ولی آثار آن غالباً از دوره ساسانیان باقی مانده یعنی از وقتی که با کتیبه‌های سلسله ساسانیان باقی مانده یعنی از وقتی که با کتیبه‌های سلسله ساسانی ادبیاتی خاص رو به ترقی گذاشت، اما به ما فقط کتب مذهبی رسیده است. آموختن زبان پهلوی به طور منظم و مرتب اشکال دارد و دلیلش یکی آن است که این زبان علامات کافی برای آوازه‌ها و اصوات خود ندارد و دیگر آن که ایدئوگرام‌ها به جای مانده است، یعنی کلمات را به سامی نویسنده و به پهلوی خوانند. خط پهلوی از خط آرامی گرفته شده است

۲- شش جشنی که در این دین آمده در اصل شش روز آفرینش توسط اهورا مزدا است که

شش گاهانبار خوانده می شود:

-----

۱- **میدیوزرم (Maidyuzarm)** که از روز ۱۱ اردیبهشت یا خورشید روز آغاز می گردد و در پانزدهم همان ماه پایان می پذیرد. در این هنگام آسمان کهکشان و ستارگان آفریده شده است.

۲- **میدیوشم (Maidyushem)**، که از ۱۰۵ روز سال یعنی ۱۱ تیر ماه آغاز می شود و در پانزدهم آن ماه پایان می یابد در این روزها، آب ها آفریده شده است.

۳- **پیتی شهیم (Paityshahim)**، آغاز آن در ۱۰۸ روز سال است که اشتاد نام دارد که در این روزها زمین آفریده شده است.

۴- **ایاترم (Ayatherm)**، زمان آغاز این گاهانبار ۲۱۰ روز پس از آغاز سال و به حساب قدیم، ۲۶ مهر یا اشتاد روز و پایان آن ۳۰ مهر است که به حساب کنونی از ۲۰ تا ۲۴ ماه مهر است. در این روزها درختان و گیاهان آفریده شده است.

۵- **میدیارم (Maidyarem)**، آغاز این دوره از آفرینش، ۲۰۹ روز سال، یعنی به حساب سر رسید کنونی ۱۰، دی ماه و پایان آن در چهاردهم همان ماه است. در این روزها، جانوران آفریده شده اند.

۶- **همس پت مدم (Hamaz Path Madam)**، گاهانبار اخیر ۳۰۵ روز سال، ولی به موجب سر رسید کنونی آغاز آن ۲۵ و پایانش آخر اسفند است یعنی شب اول فروردین. این گاهانبار از دیگر هنگامها گرامی تر و مهم تر شمرده می شود و یکی از برتری های آن این است که آفرینش انسان در طی آنها شکل گرفته است.



منابع و ماخذ :

برگرفته شده از:

۱) فرهنگ ایران باستان

۲) فرهنگ معین

۳) دهخدا

۴) شاهنامه فردوسی

۵) تاریخ ده هزار ساله ایران

۶) شاهنامه برگردانده شده توسط ایرج گلسخری